

راه حقیقت

گوشه‌ای از تاریخچه وسیع سازی
امپریالیزم جهانی

جهان امروز، میدان یکتا زری
هتر صونیستی، امپریالیزم آمریکاست!

...

اشغال افغانستان سرآغاز
پلانهای تسخیر جهان است!!

.....

محمد طاهر نسیم

فرانکفورت ۰۱-۰۹-۲۰۰۹

به کاینکه به وطن خود، افغانستان آزاد
و مستقل معتقد ... !

به کاینکه به رهائی خلقهای زخمی افغانستان
از اشغالگران فاجر معتقد ... !

به کاینکه به افغانستان متحد و یکپارچه
معتقد ... !

به کاینکه به تحولات ملی و دموکراتیک و مترقی
در افغانستان آزاد و مستقل
معتقد ... !

این گزارش مختصر و واقعبینانه را تقدیم میدارم
" نیم "

اشغال افغانستان ..

راهیست به سوی تسخیر جهان .. !

بررسی دقیق و علمی تاریخی فعالیت های امپریالیستی ، بعد از قیام
 اپریل ۱۹۷۸ ، به این نتیجه میرساند که : تمام پلان های ترسناک و وسیع سازی
 امپریالیستی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوریت افغانستان
 با میل و دولت دموکراتیک دموکراتی افغانستان ، و رسیدن به موقع کلاه های
 نظامی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی ، به اساسی تقاضای دولت
 قانونی وقت ، مطابق با ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد ، معاهده
 دوستی ، حسن همجواری و همکاری میان جمهوریت دموکراتیک افغانستان و اتحاد
 جماهیر شوروی سوسیالیستی مورخ ۵ دسامبر ۱۹۷۸ ، و دیگر قرارداد های
 همکاری متقابل قبلی ، جهت تقویت توانائی نظامی و دفاعی دولت دموکراتی
 در برابر جبهه وسیع و مجهز حداقل گران غارتگر امپریالیستی ، ارتجاع داخلی
 و خارجی ، و منظور حفاظت استقلال ، تمامیت ارضی ، حاکمیت و وحدت ملی
 و دستاورد های مردم زحمتکش ، صورت گرفت ، بر پایه هیاکلوی و سررصد ها
 ماهر اجویانه ، تحلیل و تفسیر های پوچ و بیشمارانه ، دستگام تبلیغاتی
 زیر نام "کوشیستی" ، "کف" ، "اشغال شوروی" .. و غیره ، در راه
 ایجاد رضای آشوبگری و تشنج ، و آماده سازی بعدی برای تخریب کاری
 و تزلزل سازماندهی یافت ، صحنه هایی بود که از روی پرده نمایشات
 اجراء میشد ، اما صحنه عمده ، پشت پرده که هدف اصلی آنانرا
 در بر داشت ، دستیابی به تحقق منافع و مقاصد انحصارات استثمارگران
 سرمایه دار در کشورهای منقطه ، محاصره ، تضعیف و فردپاشی نظام
 سوسیالیستی شوروی ، و جبهه کشورهای سوسیالیستی ، دموکراتیک ، دموکراتی ،
 تازه رشد در نقاط مختلف جهان و فراهم آوری محو اهل و زمینیه ها
 برای تسخیر جهان ، دور از هر گونه رقیب و مخالف سرسخت بین المللی

بوده است. چنانچه صفا یقیناً تاریخ در این گزارش خرد شده بر آن نیتیه گری
علامت ~~صحت~~ میگذارد. در حقیقت اقدامات مداخله گرانه امپریالیستی
سالها قبل از قیام اپریل آغاز و آهسته آهسته به برانه های
"کمونستی" ، "اشغال شوروی" و جلوگیری از "مداخلات کرملین"
گسترشی و شدت یافت ، و بعد از آن به یک جنگ نامبرابر و ویرانگر
مبدل شد ، که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مجبوراً در استفاده از حق
مشروع خود ، کنگه نظامی را از همایه و دوست شمالی خویش تقاضا نمود .
تمام ادارات استخباراتی ، جاسوسی و امنیتی ، طراحان و پسردهستان
امپریالیستی ، منطقوی و بین المللی ، آگاهی کافی داشتند ، و به ساده گی
درک میکردند ، که در افغانستان - قبلاً و بعد از قیام اپریل ۱۹۷۸ -
کدام رژیم نبوده که آمریکا ، اروپا و ناتو را به "خطر" مواجه سازد !
و چنین توانایی در افغانستان محققانده ، و دولت جوان نو پا وجود
نداشت که گویا بتواند دنیا را به لرزه در آورد !! اما آنان به خوبی
این واقعیت را نیز درک میکردند که این دولت جوان ، اجازه استعمار
و تسلط را به هیچ دولتی نخواهد داد ، و موضوعی برای تجاوزات منطقوی
خراهم نخواهد ساخت ، و اگر به فطره بدی مواجه نمیشد ، کنگه مشروع شوروی را هم
تقاضا نمیکرد .
اما برای امپریالیزم ، همیشه این استراتژی مطرح بوده که چگونه و تا
چه سرحدی به شیوه ، تسلط استخبارات نظام استخبار خود را در
مناطق مختلف جهان ، تحقق و گسترش بخشد ، ریشه دار و مستحکم سازد ،
و لو از راه جنگ های منطقوی ، هفتاد هفتاد جنبش ها را از آوازی بخشند ،
توضیح و دسیه کاری در باره کشورهای دموکراتیک و مترقی در هر
گوشه و کنار دنیا !

با وجود آنکه دولت دموکراتیک و مترقی افغانستان در حزب دموکراتیک خلق افغانستان در سال ۱۹۹۲، دو برابر جیره جنگ نامبرابر گسترده و دیرانگه سازمان یافته نظامی، با مشوره های شبکه های استخباراتی و جاسوسی امپریالیستی در هماهنگی با کشورهای توسطه گرهای منطقه، پاکستان، ایران، چین، کشورهای سرجمع عرب، ارتجاع و مافیای چندملیتی بین المللی وارد و منظم تروریستان "جهاد" مجهز با مدرنترین انواع اسلحه، مشاوران و کماندو آمریکایی، پاکستانی، چینی و از کشورهای اروپایی و غیره، ریاکار سازمان ملل متحد در عرصه های مختلف، اشتباهات و خیانت های برخی از رهبران داخلی در موضوعی های گوناگون، به فردپاشی مواجه شد!

دولت به اصطلاح "کونیستی" از بین رفت!! و نیروهای به اصطلاح "اشغالگر شوروی"، مطابق با زمان تعیین شده توافقان ژنیو، کشور افغانستان را ترک گفتند! هرچیز به اصطلاح خاتمه یافت! اما امپریالیزم از افغانستان دست بردار نشد!! زیرا قراریکه قبلاً به طرف ایشان در منطقه و جلان اشاره گردید، پلانهای دراز مدت شان باقیانده، تحقق نپذیرفته بود! و همین اساس علت، .. هواداران ماجو و غارتگر به رهبری "برترینگی" به رئیس جمهور کارتر توصیه میکردند، "به هیچ وجه در افغانستان عقب نشینی نلند!"

- Department of state memorandum

1978 - April 30.

طرافان سیاست و پلانهای تجاوزگرانه نظامی، داستمارگرانه اخبارات امپریالیستی، در پیشاپیش آمریکایی، به این باور رسیده بودند که افغانستان نباید از دست داده و باید بحیث تحت نفوذ منطقه

مبدل گردد، زیرا آنان: " .. اهمیت افغانستان را در رابطه به انرژی و موضوع
فرضیاتی آن بعنوان میری جهت انتقال نفت از آسیای میانه به دریای
عرب و موضعگیری استراتژیک امنیتی و تقاضای همیشه در برابر کشورهای
صوب شرق آسیا، شرق میانه و آسیای مرکزی، روسیه، چین، هندوستان
و غیره می‌شمارند .. " چنانچه آن لشکر گزیده منظم و مجهز و مدرن امروز
یافته بیش از 260 000 فرد در " مجاهد " در نتیجه نتوانست
جوابگوی خواسته‌هایشان شود. و همیشه طالبان " روسی سیاه امپریالزم
سیاه تر است !!

" توماس فریدمان " - در نیویورک تایمز - قبل از جنگ عراق،
نوشته بود: " .. بازارها تنزلی زمانی به شوگونی می‌رسند که مالکیت
حقوق، امنیت خویش را تضمین شده ببینند .. " ! و با صراحت
بیشتر علاوه می‌کنند:

" .. موضوع: حفاظت از حکومت‌های است که به آمریکا وفادارند،
و مجازات آثاری که نیستند ... " !

" جورج ج. ج. مارکا " معاون روابط بین المللی شرکت نفتی یونو کال
طی گزارشی در برابر کمیسیون روابط بین المللی کنگره - آمریکا - فبروری
1998 تاکید در زبده بود:

" .. یونو کال، در نظر دارد کنرسیوم بنام کنرسیوم خط لوله
نفت آسیای مرکزی تشکیل نماید ... اما این همه در گرو اینست که یک
حکومت مورد قبول در افغانستان بر سر کار آید ... " !

بعد از موضعگیری‌های خشن روحشیا نه " طالبان " و ماجراجویی‌های
" القاعده " و اسامه بن لادن او صحنه سازس فاجعه سپتامبر و غیره،
و در پیوند با همان خواسته‌ها امپریالیستی، مشاوران متخصص امنیتی
و نظامی CIA و پنتاگون و غیره به این فیصله رسیدند که حمله نظامی

آمریکا، ناتو و متحدین اروپایی بر افغانستان باید تحقق یابد. و منظور بدست آوردن "شرعیّت" برای چنین حمله نظامی وزیر نام به اصطلاح جنگ علیه "تروریسم" و "بازسازی" افغانستان، کنفرانس "بون" متشکل از مزدوران امپریالیستی محاور "رُم" ، "داشگلتن" ، "پاریس" ، "لندن" ، "اسلام آباد" و "تهران" سازماندهی یافت و به دستور باداران دروازه های افغانستان ~~بر~~ خلاف نورمها، مقررات و قوانین ملی و بین المللی به روس اشغالگران نظامی خارجی بازگردید. کسانیکه در این کنفرانس نمائشی مجیت "نمائندگان" مردم افغانستان اشتراک ورزیده بودند، اثرآ تروریسمان "مجاهد" دیرمز بودند که افغانستان را به نفع باداران خویش به خاک و خون کشانیدند. هژمونی آمریکا... در گلوبالیزیشن است!

اشغال افغانستان که در هفتم اکتوبر 2001 صورت گرفت، قطعاً کدام پایه قانونی نداشته و خلاف اراده خلق های افغانستان صورت گرفته است، از آدمی، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی را پامال کرده است. حمله بر عراق و افغانستان، واقدامات تجاوزگرانه و تسلط در دیگر نقاط و کشورهای مختلف جهان در حقیقت انقضای دهنده، هژمونی و یکتازی امپریالیسم جهانی در رأس آمریکا میباشد؛ که دور از هرگونه رقیب و مخالفت بین المللی، انجام یافته و صریحاً به دست میوزرد تسلط خویش را آزادانه در جهانی سازد، مخصوصاً بعد از فروپاشی شوروی و کشورهای سوسیالیستی اروپایی، گسترش دستخطام نمشد. "و گلوبالیزیشن" تله ایست که آهسته آهسته تمام مواضع انحرافی، سازشکاری و ریاکاری ملی و بین المللی را به سوی خود میکشاند. "برینز نیکی" در کتاب خود "صفحه شطرنج بزرگ" در فصل "هژمونی - تفوق - از نوع جدید" نوشته است: "... با گسترش نفوذ فرزند"

آمریکای و تقلید از آن در جهان راه برای هژمونی آمریکا از طریق بکارگیری
روشهای غیر مستقیم و بنظر مورد توافق دو طرف - آمریکا و کشورهای
زیر دست - باز میشود .. " !

بسیاری از پژوهشگران و دانشمندان در داخل و خارج از ایالات
متحده آمریکا و در اروپا به اساس تحقیقات و پژوهشهایی که انجام داده
اند، به این نتیجه امی رسیده اند که در بخش گزارشات، بررسیها و تحلیلهای
تحریف کننده که توسط رسانه های گروهی و دستگاه های تبلیغاتی برای جهان
انتشار می یابد سیاست های داخلی و خارجی، و به علاوه استراتژی نظامی
و جنگی، مداخلات و تهاجمات نظامی منظور افزایش گسترش تسلط بر
نقاط دارای اهمیت در جهان از راه "گلوبالیزیشن"، طرح ریزی میشود، طراحان
هستند که از سالهای بیست به اینطرف در سازمانها، و کمپنی های بزرگ
متخصص ^{انرا} تهیه و آماده مینمایند، و بدسترس دولت آمریکا میگذارند، و به
هر نقطه جهان که لازم می بینند، صادر می نمایند، از این راه نه تنها از جهان
عامه را فاش می کنند و معرفی می سازند، بلکه بر مؤسسات و نهادهای فرهنگی
آیدیولوژیک و آکادمیک سازمانها مختلف اجتماعی و مذهبی تأثیرات
زهر آلود خویش را وارد میکنند .. و به شیوه های گوناگون در ششوی
مذهبی بکار گرفته میشود !

" ش. مشهور، در کتاب خود: "در آمریکا اینگونه اداره میشود" درین
مورد نوشته است، که خلاصه آن یاد آور میشود:

" .. نقش اصلی در "تحقیق دانکن" ، "ارایه خطوط هشتم ها، راه
بیرون رفت، چگونگی انجام و انجام بر خورد ها و فعالیت ها برای دولت
آمریکا، بر عهده سازمانها می است که به " فکر انبارها " - Think Tank -
یاد میشوند، این سازمانها در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی
و امنیتی مشغول مطالعه و بررسی هستند. کارمندان در زبده آنها متخصصین؛

استاذان پوهنتون، آید یولوگ، کاران، مدیران مصانع، رگورپوریشن‌های
 بزرگ و سیاستمداران تشکیل میدهند. سوره‌های مطالعه بسیار
 گسترده و متنوع است. از سیاست خارجی، مسائل منطقی و ژئوپولیتیک،
 نظامی، دفاع و امنیت ملی، پول و مالی گرفته تا آموزش، قضا،
 رفاه اجتماعی، دارو و درمان، صحت عامه و غیره را دربرمیگیرد.
 همیت مثال، شورای روابط خارجی که در سال 1921 تشکیل یافت، اعضای
 آن اکنون چیزی در حدود بیش از 3600 الی 4000 نفر هستند، در
 بخش‌های مختلف: اقتصاد، گلوبالیزیشن، حقوق بشر، امنیت داخلی
 سازمان‌های بین‌المللی، رسانه‌ها، جنگ و مناقشات، علم و تکنولوژی،
 تروریسم و سیاست‌های آمریکا در ابعاد مختلف. کار میکنند، سوره
 میدهند، گزارش‌هایی را تهیه، نیازها و خطوط عملی‌ها را تیریزه
 میکنند. به این ترتیب این شورا تنها درگیر سیاست خارجی نیست،
 بلکه تقریباً به همه جا دست می‌اندازد! اینها فشنوده جهانی
 آمریقا است که به کمک مستقیم سیستمی از تمرین خود که بطور دایهانه
 شکل گرفته است، جهان را عملاً به خودش در می‌آورد، و هر چه میخواهد
 انجام میدهد!

در گزارش از سازمان ملل متحد همین تذکر یافته است: "... توانایی جدید
 گلوبالیزیشن و آنانیکه اینها نمایش را مینویسند تمرکزش، ضمیمه کردن بازارهای
 جهان است. این امر نیاز مردم را نادیده میگیرد. این پروسه منجر به فقر
 یافتن قدرت و به هاشیه راندن ملت‌ها و کشورهای فقیر میشود..."
 - The United Nations, Human Development
 Report 1999 -

و بانک جهانی در یکی از گزارشات خود درباره گلوبالیزیشن، چنین اشاره ای
 مینماید: "... گلوبالیزیشن نشان داده است که فقر و نابرابری را افزایش
 میدهد. بطوریکه سازگار شدن با یک فضای باز (اقتصاد) را انحصاراً
 فقر، خواهند برداشت، صرف نظر از اینکه این پروسه چقدر به طرف انجماد
 - Report 1999 -

دستی CIA در بخشی از گزارشی بعنوان " روند جهانی تا سال 2015 " از " گلوبالیزیشن " من نالد : - Global Trends 2015, CIA 2000 -

" ... سیرتکاملی گلوبالیزیشن پرسنگلخ ، با گفتمار بیای مالی مزمن و شفافیتی روز افزون اقتصاد در (بین جوامع) است . کشورها ، مناطق و مردمی که در آن زندگی میکنند ، احساس میکنند که از قافله بکلی عقب مانده اند ، اقتصادشان از حرکت باز می ایستد . وضعیت سیاسی نا پایداری پیدا میکند و به از خود بیگانگی فزاینده دچار میشود . . .
مجموعه این وضعیت افراط گرایی مذهبی ، ایدئولوژیک ، قومی ، سیاسی و دشواری توأم با آنرا رشد و پرورش میدهند . . . !

" اکنون کسانی هستند که الهام از سنانو ملی و دموکراتیک خلق ها ، کشورها و خود نمیگیرند ، و دنیا را ایدئولوگ سازان امپریالیستی " گلوبالیزیشن " کورکورانه روان هستند . استقلال ، تمامیت ارضی و حاکمیت و وحدت ملی خود را به آسانی فراموشی ، خود را در خدمت بیگانگان قرار میدهند ! انتظار آنها دارند که از دست " پربوکت " استشارگران تحفه ای در اعزاز " مقام " و یا " چوک " بدست آورند !!
مفید خواهد بود که گفتار دیگری را از " برتر نیکی " در بخشی هژمونی از نوع جدید " یاد آوری نمود :

" ... روم باستان حقوق خود را از طریق ساز ماندن نظام برتر آورد .
چنین تکیه بر سیستم بوروکراتیک و مؤثر خود میکرد .
امپراتوری مغول ها از تاکتیکهای برتر نظام سود میبرد .
و انقلتان با تکیه بر برتری نظام و ...

ولی هیچیک از این امپراتوریها به واقع جهانی نبودند . حتی بریتانیا نیز یک قدرت مسلط جهانی نبود . بالعکس تملکو و ذراگیری قدرت آمریکا در جهان امروز یکتا و منحصر به فرد است . آمریکا نه تنها تمام اقیانوسها

مدریاهارا در کنترل خود دارد ... " -
- The Grand Chessboard: Hegemony of the New Type.

انگیزه گلوبالیزیشن اکنون در یک کلام، تقویتی و برتری جوئی امپریالیزم آمریکا در جهان است ..!

هدف عمده امپریالیزم آمریکا تسلط بر جهان است!

حقایق و وقایع تاریخی به اثبات میرساند که ملیاردها و ملیاردها دلار صرف شده، دهزاران تروریست افغانی، عربی، پاکستانی، ایرانی، چینی، هندی، اندونزی، فلپین، مالیزیا، ژاپنی، اروپایی، افریقایی و از خود آمریکا و آمریکایی لاتین و غیره، آموزش و تنظیم یافته در یک اردوی مدرن و مجهز، همراه با صدها مشاوران آمریکایی اروپایی و از کشورهای فروخته شده "اسلام": پاکستان، ایران، مصر، سودان، عربستان سعودی و کشورهای خلیج و غیره در یک مافیای چند ملیتی، براساس یک سرزمین کوچک افغانستان بنوده، بلکه علیه اتحاد شوروی و قوت کشورهای منطقه و بمنظور ایجاد زمینیه های مساعد در چوکات بلاتکلیف تسخیر مناطق مختلف جهان، توسط این چهار استشار گرانه، امپریالیستی بویژه آمریکا .. سازماندهی میشد .. و اکنون هم ادامه دارد، و الی سالهای طولانی بعدی ادامه خواهد یافت.

" ویلیام کریستول " طراح " پروژه عصر جدید آمریکا " در کتاب خود بنام " جنگ بر علیه عراق " نوشته است:
" مافوریت در بغداد آغاز میشود ولی در آنجا خاتمه نمی یابد ... ما بر لبه دوران تاریخی جدید، ایستاده ایم ... این یک لحظه تعیین کننده است. مشخصا این مسئله فراتر از عراق است. این صحنه فراتر از آینده خاورمیانه و جنگ بر علیه تروریست است. بحث اینست که آمریکا

چه نقشی را در قرن بیست و یکم بازی خواهد کرد...»!

یک از نویسندگان تایمز آسیا - Asia Times - روشن می‌آورد:
«... نفت و گاز هدف‌های نژادی آمریکا را تشکیل نمی‌دهد. صحبت بر سر کنترل
است. اگر آمریکا بتواند منابع انرژی رقبایش یعنی اروپا، ژاپن، چین
را کنترل کند، کار تمام است...»!

الغون به برخی از واقعات تاریخی، که موهنگیری نظامی دنیا کارانه
آمریکا را در این عرصه، بویژه در دکترین رهبری آن کشور، انطباع می‌دهد،
مراجعه می‌شود:

«الکساندر لیا خفسکی» در کتاب خود «توفان در افغانستان» - جلد اول -
می‌نویسد:

«... در سال ۱۹۴۸، آمریکایی‌ها برنامه‌ای را با رمز «هندوکی» برای
ایجاد یک حلقه محاصره نظامی، پیرامون اتحاد شوروی و متحدان آن در جنوب
و متشیخ ساخته اوضاع خود افغانستان در صورتیکه در گام نخست راه به اتحاد
شوروی نزدیک شود، طرح و تدوین کردند...» و در همین سالها بود
که «والس» وزیر خارجه آمریکا، کشورهای را که در صفت سیاست تیمار کارانه
آمریکا و پلوانی نظامی ضد شوروی نمی‌بودند، دشمنی آمریکا تلقی میکرد!
یا باید به بیان‌های نظامی «مرکز» بغداد «سنتو» و یا جنوب شرق
آسیا «سیتو» و غیره شامل می‌شدند، یا آنکه همیشه کشور دوست آمریکا
شناخته نمی‌شدند...!

در زمان «ترومان» - Truman - سی و سومین رئیس‌جمهور آمریکا
(۱۹۴۵-۱۹۵۳) از حزب دموکرات، واژه‌های «مردم آزاد» و «انتم کونیست»
مترادف یکدیگر بودند... دکترین «ترومان» همیشه مدراآه همیشه‌ها
رهای بخش می‌دانند و انقلابی قرار داشت. برای رژیم‌های دیکتاتوری سترگ کافی بود،
مدعی باشند که با دشمنان «کونیست» روبرو هستند تا آمریکا به یاری

آنرا بشاید! دکک هاس مالی و نظامی «سماوندانه» را برایشان ارسال
 بردارد. ترومان برای آنکه مشروعیتی به پلانهای تروریستی نظامی آمریکایی
 در نقاط مختلف جهان - علیه اتحاد شوروی - کشورهای دموکراتیک و مترقی
 در نزد افکار عمومی نشان دهد، تلاش میوزرید هراس زاید الوصفی
 از موجودیت خطر «کمونیست ها» در اذهان عامه آمریکایی ها و جهانیان
 ایجاد کند، تا بتواند پشتیبانی آنها را بدست آورد!

بتاریخ 23 جنوری 1949، ترومان با موضوعی فریبکارانه، دفاع
 از «دموکراسی» و «آزادی» «پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو) را -
 ضد اتحاد شوروی - در سخنانش در صلح در جلن، به امضاء رسانید.
 و در زمان ترومان - مارس 1951 - آمریکا دارای بجهت هدیر و ژنی شد.
 در سپتامبر 1951 پیمان صلحی را با ژاپان امضاء، و پایگاه های
 نظامی آمریکایی را در آن کشور بنیاد گذار کرد. و پایگاه های نظامی دیگر
 را در نقاط مختلف جهان ایجاد و گسترش داد. نیروی دتاسیات
 پیشرفته صنایع نظامی هونناک و نایورس جمع را به اوج خود رسانید!
 آیالات متحده آمریکا، در چوگات همان حلقه، نظامی پیرامون اتحاد شوروی
 و متحدان آن، به استخدام رژیم های هواخواه جبهه امپریالیستی در پاکستان
 ایران دغیره، پرداخت. در سال 1953 دولت قانونی و منتخبی را که
 و صدق در ایران - به مکک و سازماندگن اداره جاسوسی CIA - سرنگون
 گردید و شرکت های انحصاری پترول با ردیگر تسلط کامل خود را زبر
 نام «کنرسیوم» بدست آوردند. زمینیه بازگشت مهر رضا پهلوی
 به تخت پادشاهی فراهم آورد شد. یک سال بعد آیالات متحده آمریکا
 معاهده ای را با پاکستان در جهت ایجاد پیمان نظامی به امضاء رسانید.
 آمریکا تلاش و زرید افغانستان را شامل پیمان بغداد - با ایران، عراق
 پاکستان، ترکیه، انگلستان و آمریکا - سازد، و شرایط آمریکایی را

بیدیزرد، و مناسبات خود را با پاکستان بهبود بخشید، و از نژادیک با شوروی،
بپر هیزد، مگر افغانستان خود داری کرد، لذا ایالات متحدہ آمریکا فووشی
جنگ اوزار و تقدیم کمک ہاں مالک را بہ افغانستان قطع کرد، در پاسخی
رہبان افغانستان بہ توریہ اسلحہ و مہرات و تقاضای کمک ہاں بہ اتماد
شوروی، رو آوردند .

ایزنہاور - Eisenhower - سی و چہارمین - رئیس جمہور آمریکا
- 1961 - 1953 - از حزب جمہور فووشہ، در زمان وی : سیاست
آمریکا بر اہمیت جنگ اوزار ہاں ہستہ ای تاکتیک، و ہم بر نقش بزرگی
ہوایہ استراتژیک بعنوان عامل سد رآہ تجاوز - اتماد شوروی - را تاکید
میکرد، این سیاست بہ " انتقام ہمہ جانبہ " شہرت یافت . ایزنہاور
مانند اسلاف خود - ری کارانہ - بہ " آزادی " تاکید میکرد، و در برابر
" خطر کمونیسم " تصمیم گرفت کہ موافق نیرد مند نظام را ایجاد کند !
دکتورینی ایزنہاور در سال 1957 تا حدودی بہ بحران سوئز (1956)
کہ گویا ہیخواست پاسخ دہد، و عمدہ جانبداران از کشور ہاں منطقہ خاور میانیہ
را اعلام نمود ! کہ در برابر " خطر تجاوز خارجہر کونیزم " با فرا بلاری
داخلی رو بروی باشند ! کشور ہاںیکہ از این سیاست آمریکائی حمایت
کردند، مشمول کمک ہاں نظامی و اقتصادی آن کشور گردیدند !
بر اساس اجرائی ہمین سیاست بود کہ نیرد ہاں نظامی آمریکائی سال
1958، نرمان گیل شمعون، رئیس جمہور لبنان - وقت - بہ آن کشور حملہ ور
شدند . بر اساس ہمین موضعگیری آمریکائی ضد شوروی و ضد آزادی
و استقلال کشور ہاں منطقہ، پیمان بغداد بہ پیمان منطقہ با عضویت
کشور ہاں ایران، پاکستان و ترکیہ، دست یافت !
در زمان جان اف . کنڈی (1963 - 1969) سی و پنجمین رئیس جمہور

آمریکا، سیاست لوای خریبنده " نجات آزادی، پایه میدان توطئه سازی
گذاشت. در دکترین دی؛ تمامی نیم کره جنوبی کره زمین به اصطلاح
صحنه جنگ برای دفاع از " آزادی " آماده میباید و سرزمین های
" مردمی " در حال قیام اند !!

کنده نخست در برضورد با سایل جلائی کیوبا را برگزید. در آپریل
۱۹۶۱، فراریان کیوبائی را تحت پوشش حمایت هواپیماهای نظامی
آمریکا از خلیج خوکها به ساحل کیوبا انتقال داد. اما توسط مقاومت
سخت مردم در هبر سال کیوبا به شکست مواجه شدند!
کنده چندین بار ترور رهبر کیوبا را سازماندهی کرد، اما موفق نشد!
در چوگات موضعگیری هند شوروی، هیاهوی را در باره نصب راکت های
دفاعی سافت شوروی در سرزمین کیوبا به راه انداخت، و به سابقه
تسلیماتی دست زد و نبردهای مسلح آمریکا می را به (۳۰۰ ۰۰۰) افزایش
و (۴۰ ۰۰۰) را با وسایل دست داشته تکنولوژی پیشرفته دفاعی
نظامی به اروپا کیل سافت!

در اپریل ۱۹۶۲ کنده دستور آزمایشات هسته امر را در فضا صادر
کرد، که جمعا ۳۰ انفجار اتمی به عمل اجرا گذاشته شد.

نیکسون - Nixon - رئیس جمهور آمریکا (۱۹۶۸ - ۱۹۷۸) در برابر افزایش
نفوذ اتمی شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش های رهایی بخش ملی
و مترقی در آمریکای لاتین و شرق میانه و آفریقا، کوشید تا قدرت و نفوذ نظامی
جلائی آمریکا را، ابتدا در منطقه مدیترانه و اقیانوس هند امتداد و دست
بخشد. در آئین نیکسون بر تراس " روایو دیزه " با کشورهای
کلیدی جهان سوّم را که از آن به بعد همیشه " شرکای کوچک " در عملیات
سنگین "، فعالیت های نظامی امپریالیستی در می آمدند، دنبال میکرد. در این

شرایط بود که فکوره "ابر قدرت منطقه‌ای" زائیده شد!
 بنا بر موضوعی ضد شوروی و جهت کشورهای سوسیالیستی، ایجاد یک شبکه
 منبج از میدان آمریکا در خاور میانه، جنوب آفریقا و غیره مناطقی که
 از حمایت حضور نظامی کارآمد و پرتحرک آمریکایی برخوردار باشد، بجهت
 رکن عمده دکترین نیکسون در آمد!

برای مثال، به دنبال سفر نیکسون به تهران - 1972 - کیسینجر از
 وزارت دفاع آمریکا خواست تا هر نوع جنگ، افزار دبه هر میزانی که مورد
 نیاز رژیم پهلوی باشد، در اختیارش گذاشته شود. میزان خرید جنگ
 افزار از آمریکا - توسط ایران - از 10 میلیون دلار سال 1950 به
 31 میلیارد دلار سال 1976 افزایش یافت! طوری که در زمان
 سقوط رژیم شاه به میزان 12,1 میلیارد دلار از پیشرفته ترین جنگ
 افزارها را بخرنا، باید به ایران تحویل داده میشد!

"ف. بنوسکی" نویسنده آمریکایی در کتاب: "جنگ، محرمانه" دانشنگتن
 در برابر افغانستان "نوشته است: در سال 1973، CIA، آغاز به آوردن
 فشار بر حکومت افغانستان به مقصد مجبور ساختن این کشور برای اتخاذ
 موقف ضد شوروی کرد.

- Bonosky Philip: Washingtons Secret War
 Against Afghanistan. N.Y. 1985 P. 59

در موضوعی دکترین کارتر - Carter - (1977 - 1981) از حزب
 دموکرات آمریکا، ضد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و جبهات رها انجمن ملی
 و ضد استعمار، در استناد بر شعار "دفاع از حقوق بشر"
 به مقابله پرداخت. بجهت مثال تمام فعالیت‌ها را برای پاکستان و چین را
 در این رابطه، علیه کشورهای منطقه، افغانستان و هندوستان، پشتیبانی و تقویت
 نمود...

شاه ایران که تا قبل پیگیری به "تضعیف" مناسبات انقلاقی با اتحاد شوروی و "تزدیک شدن سیاسی و نظامی" آن به سوی غرب داشت، هنگام بازدید خود از واشنگتن در ۱۹۷۷ و در روند گفتگوها با رئیس جمهور کارتر پیگیرانه از "منافع مشترک آمریکا و ایران" در انقلاقی سخن میراند!

- Garthoff R. Detente and Confrontation: American-Soviet Relations from Nixon to Reagan, W., 1985 P. 932

"ریگان" - Reagan - چهلمین رئیس جمهور آمریکا از حزب جمهوریخواه در موفقیگی و پلانای خود در برابر اصطلاح "رژیمهای کونیستی" اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی، آمریکای لاتین، انقلاقی، ویتنام و... و... از روشهای فریبکارانه "نرخش" و "دیپلوما تیک" و "نیزنگ" استفاده میکرد. اقدامات و اجراءات خصمانه فوئترا از پشت پرده توسط دستگاههای استخباراتی و جاسوسی پیش میبرد!

دکتورین ریگان در مجموع به جانبداری از "تروریسم" دولتی پیوند یافت. سرنگونی هدایاها، لیبی بر فراز خلیج "سرت" - اکت ۱۹۸۱ - قطع واردات نفتی از لیبی و ممنوعیت صدور تکنالوژی به آن کشور - مارچ ۱۹۸۲ - توطئه کودتای ۸ ص ۱۹۸۴، و سرانجام حمله آمریکا به لیبی در ۱۵ اپریل ۱۹۸۶ و بمباران هوایی آن کشور، خود نمایانگر چنان موفقیگی و گوشمالی دیگر کشورهای منطقه بوده است!

نقش CIA در پیشاپیش

دستگاههای توطئه گر ابرپالیستی ..

آژانس مرکزی اطلاعات مشهور به "سیا - CIA":

- Central Intelligence Agency -

در سال ۱۹۴۷، زمان سردمان رئیس جمهور وقت آمریکا، بنیانگذار شد.

این سازمان ابتدا در طول جنگ جهانی دوم به اداره خدمات استراتژیک (O.S.S) یاد میشد. سپس با تصویب قانون امنیت ملی در اواخر سال 1947 به نام "سیا" - CIA - همتی شد. و تنها در برابر شخص ریاست جمهور مسئول است. ستاد مرکزی CIA، چهار بخش است:

- 1- علوم و تکنولوژی
 - 2- لجستیکی (تدارکات)
 - 3- اطلاعات
 - 4- نقشه ها و طرح ها .. و دارایی سه واحد مستقل میباشد:
- 1- سرریس جمع آوری اخبار خارجی،
 - 2- سرریس عملیات ضد جاسوسی و ضد اطلاعاتی
 - 3- سرریس مداخلات مخفی در کشورهای خارجی.
- از رودهای اولیه "سیا" در سال رهلین کوتر (1947-1950) ژنرال "بیدل اسمیت" (1953-1950)، و آلن دالی (1953-1962) که در بوجود آوردن سازماندهی آن نقش به سزایی داشتند، می توان نام برد. در زمان ریاست "آلن دالی" - CIA - تشکیلات خود را به سرعت گسترش بخشید و نشردهی از اقدامات خرابکارانه و تهاجمات این سازمان زیلا یاد آور می شود:

- 1- تشکیل شرکت "سترن انترپرایز" - 1951 - در فرموزا جهت کمک به "ملی گرایان" چینی در تخریب پل های و دهشت انگیز علیه دولت مردمی چین. این شرکت تحت پوشش کارهای تجارتی به فعالیت های جاسوسی و آشوبگری خود ادامه میدهد.

- 2- نفوذ مأموران CIA در سازمان های دیگر جاسوسی چون K.G.B.

و اینستلجنت سرریس دیگره ...

- 3- سازماندهی عملیات جاسوسی هواپیمای ها - 2 - U، بر فراز خاک شوروی چین، و دیگر کشورهای مناطق مختلف جهان.

- 4- سرنگونی حکومت ملی داکتر محمد مصدق در ماه اسفند 28 خرداد 1332

- 5- توأم آوردن زمینیه برای کودتای نظامی در گوانیمالا - 1954 -

6- اقدامات در جهت سرنگونی دولت‌های چونا لادوس به رهبری "پرنس سوانا فوما" - 1954 - ، حکومت آرمنیز در همکام با "یونایتد فرانت"
7- هجوم نظامی تفنگداران دریایی آمریکا به خاک لبنان - 1958 -
8- جریان فلیپ خودکرا - 1962 - بر ضد حکومت قانونی فیدل کاسترو و ناکامی آن .

9- کودتای نظامی در جمهوری عراق و سرنگونی حکومت مل ژنرال محمد الکریم قاسم .

10- سازماندهی شورش افسران متروخرانوسی در الجزایر علیه دگول .
در سال 1962 "دالی" از سوی کندی نظماً به خاطر شرکت این کشور در ماجرای فلیپ خودکرا برکنار شد ، و "ماک کاون" به جای وی به ریاست سازمان منصوب شد . دیگر رؤسای سازمان عبارت بودند از : رابرت رایان ، ویلیام رابورن ، ریچارد هلنز ، چیمز شلزنبرگ ، ویلیام کوبی ، جورج بوش - پدر - ، استانیسلاو ترنر ، و ویلیام کیسی ... همه این شخصیت‌ها از اواخر ترنن دشمنان سرسخت جنبش‌های کمونیستی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی و نزدیک‌ترین متحدین انحصارات سرمایه داری امپریالیستی بوده‌اند .

همچنان از دیگر عملیات CIA میتوان از کودتای نظامی 1965 آندونزی جهت واژگون‌سازی حکومت منتخب دمانونی سوکارتو ، دگشا رقیب یک ملیون نفوذ از اتباع آن کشور ، نام برد . توطئه‌ها مکرر جهت قتل فیدل کاسترو رهبر کیوبا ، و اجراء برنامه فونیکس که منجر به قتل بیش از بیست هزار ویا تگونگ گردید در جمله فعالیت‌های جنایتکارانه CIA محسوب میشود .
سازمان CIA ، طی پانزده سال از 1961 - 1976 ، بیش از 900 فقره عملیات محرمانه علیه سیاستمداران و رژیم‌های نامطلوب " - به زعم آمریکا - انجام داده است . مثلا تدارک کودتاهای گوناگون در آرژانتین ، بولیوی ، چیل ، یونان ، افغانستان ، عراق ، سوریه ، لیبی ، هندوستان و دیگر کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکا لاتین ، پیشبانی از

دولت ها در ژیمها دست نشاند، انتصاب عمال مزدور در رأس قدرت های سیاسی، مداخلات نظامی، ایجا دشوشرها و جنگها، داخل عملیات فرابجارتانه و نفوذی در سازمانهای سیاسی و نظامی جهان از عملیات CIA بشمار میرود. این عملیات با همکاری پنتاگون، کارتلها، چندین ملیتی و ستون پنجم "سیا" در کشورهای جهان صورت گرفته و میگردد.

در دوران حکومت جانسون و نیکسون "سیا" واژگون کردن حکومت "آندس" در چین با همکاری شرکت های چندین ملیتی چون "آی. تی. آی" از نمونه های بارز آن میباشد.

نفوذ CIA در داخل ایتمادیه های فارجه مانند ایتمادیه "هستی" لهستان به رهبری "لخ والسا" و دهم چنین کمد های متدادم به مخالفین رژیم حاکم در شیپارگوا جهت از بین بردن رژیم آنکشور به رهبری دانیال اورتلیا، از جمله فعالیت های آن سازمان میباشد.

در سالهای گذشته CIA، نقش گسترده ای را در سازماندهی جنگ در منطقه مداخلات دنیادرات و حملات نظامی دیورش بر استقلال، هاکیت و تمامیت ارضی کشورها، و اشغال سرزمین ها، ایفا مینماید.

با این مرور مختصر به موضوعی که رهبر ددستگاه های امپریالیستی آمریکا دیده میشود که آمریکا از دیرزمان به پلانها و تهاذ را نه ضد ایتماد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و جنبش های آزادی بخش ملی، و کشورهای دارا استقلال و نظام های دموکراتیک دسترزی، دست بر مناطق مختلف جهان، آغاز و به آن ادامه میداد، و هنوز هم به شدت بیشتر ادامه میدهد، و ادامه خواهد داد.

متن عمده پلانهای امپریالیستی ..

کن ندون شوروی به "لانه زنبور" افغانستان!

مجله "آزادی" - Freedom - شماره (62) مؤرخه اکت 2004 مطلبی در این رابطه به نشر یافت که خلاصه آن در اینجا تذکر می یابد:
(شنبه هفتم ژوئیه سال 2001، رادیوی "فرانس انتر" - رادیوی دولتی)

فرانس - مطلبه را افشا کرد که برای مؤرخان دهه کثیفی که مآله افغانستان را
دنبال میکنند، تصحیح آور بود ...

از سالیان پیش CIA به همکاری و کمک عمال خود در افغانستان و پاکستان
- و در خود شوروی - تلاش به فرج میداد که اتحاد شوروی را به لاف زنبور
افغانستان سوق دهد که سرانجام در 28 دسامبر 1979 آن طرح به
صفت انجامید !

شکت آمریکا پس از پانزده سال جنگ ها و خونین در ویتنام با وجود
به کار گرفتن مدرنترین سلاح ها و بمباران ها، کشته شده سخت و بیام
ویتنام شمالی و اشتغال را به زانو در آورد ! و به هیئت جهانی آمریکا، لطمه
شدید وارد کرد !

در سیکه آمریکا از ویتنام آفرخت این بود : که از طریق درگیر کردن
ارتش سرف - اتحاد شوروی - در ویتنام افغانستان، میتواند نظام شوروی را
تدریجاً ست کرده، و عوامل مقدماتی فرد پاشی نظام کمونیستی را اندک،
اندک، فراهم سازد .

... رادیو فرانس آنتر، برنامه "امه را روزهای شنبه پخش میکند زیر
عنوان : " وعده دیدار با ایکس " . " ایکس " ظاهراً یکی از ماورین عالی مرتبه
سازمان ضد جاسوس فرانسه است که تا کنده افشا شده است ... !

" ایکس " در برنامه آنروز خود به سلسله ای از تغییرات، تحولات
در ایشانات در افغانستان از سال 1973 تا قیام اپریل 1978 رسیدن حفیظ الله
امین به قدرت - بعد از قتل تره که - و اینکه رسماً و رسمی " ضد دین اسلام " و اعلام
" کمونیستی " را به اهتزاز در می آورد، دبیرها از اعضای دولت - و حزب - را در
محبس پلیس حوضه طابیل زندانی میکند - فرود کرده، توطیای او را ایراد نمود .

آقای " ایکس " در رادیو " فرانس آنتر " تأیید کرد که همه اقدامات " امین "
در جهت اجرای طرح CIA برای کشتن پاشی شوروی به افغانستان
و روبرو شدن در جنگ با " باهدن " در دفاع و پشتیبانی از دولت به اصطلاح
" کمونیستی " !

مأموران CIA، شایعات دروغین را پخش می‌کردند که گویا ارتش پاکستان به دستور ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان به زودی وارد افغانستان می‌شود تا به اصطلاح حکومت چپ را سرنگون و بدین وسیله تحریک کننده شوروی وارد افغانستان شود. مداخلات نظامی پاکستان در هفتادها بار با تروریستان در امور افغانستان و تجاوز بر تمامیت ارضی کشور مطابق با پلان‌های آمریکایی در منطقه همیشه برپا بوده، لذا اتحاد شوروی در جهت حفاظت حواصت سرحدات جنوبی خود و تقدیم کمک مشروع به همسایه و دوست جنوبی‌اش افغانستان مطابق با مواد منشور پلاتمه و معاهده دوستی و همجواری، در باره گسیل سربازان و کمک نظامی تصمیم گرفت...

توضیحه سازی بنظر کشادن شوروی به افغانستان جزو طرحی بود که دستگاه‌های استخباراتی و جاسوسی آمریکا پیش از پیش از سال‌های پیشین در مورد اجرام آن آماده‌گردد گرفته‌اند. البته ایجاد، تحویل و تجهیز تروریستان مخالف علیه دولت دموکراتیک افغانستان و منشور ساختن از هان عامه علی‌بن‌الملک، از پشت پرده "جلااد اسلام" علیه "کوشستان" و "اشغال شوروی" جزو همان پلونها بود که مورد اجراء قرار داده شد!!

رابرت گیتس "مدیر سابق CIA" در کتاب خود پیام از درون سایه‌ها

- From the Shadows - به ارتباط پلونا و زرد بندهای ادارات استخباراتی و جاسوسی آمریکا و اقدامات مخفیانه ضد شوروی - افشاء میکند: که کمک‌های سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا که ماه پیش از عمل شوروی به افغانستان به مجاهدین افغانی، آنها زیافت!

لذا یکی از سوالات فزاینده "نودول ابزر و اتوار" در مصاحبه‌اش با "بریتنیک" و در رابطه به کتاب "رابرت گیتس" چنین بود:

"... زمانیکه شوروی در توجیه دفاعت نظامی‌اش در افغانستان میگفت، ما علیه دفاعت مخفیانه آمریکا در حال مبارزه هستیم...

پس پایه‌های آن از حقیقت در حرف‌های آنان وجود داشته‌است و شما از هیچ‌یک از این اتفاقات شامف نیستید؟

بریتنیک: شامف از چه؟ آن عملیات مخفی‌آمیزه نوعی العاده‌ای بود تاثیر آن کشیدن روسها به درون تله افغانستان بود و شما میخواهید من

متأسف باشم؟ روزیکه رسماً روسها از مرز گذاشتند من به پریزیدنت کارتر
نوشتیم، ما اینک فرصت اینرا داریم که جنگ ویتنام را به آنان تقدیم کنیم،
جنگی که ۱۵ سال بطول آنجا مید و باعث شکست روس شوروی و بالاخره
تلاشها و فروپاشی شوروی شد!

... پاییز سال ۱۹۴۱ نفوذ آلمان قلمی در آفانسان و ایران افزایش یافت.
"نیوتون چریل" صدراعظم انگلستان در آنوقت، در جمله آنخانی اقدامات
توطئه گرانه ضد شوروی و منظور لطمه وارد کردن به هشیست دآبرده بین اعلی آن
به حکومت شوروی پیشزد کرد که به این کشورها نیز در نظامی بفرستد. مگر
رهبران شوروی که در رأس آنان استالین قرار داشت، با نظر داشت پیامدهای
چنین اقدام و هوشیارانه طرح او را رد کردند. در پاسنامه استالین در مولاتوف
خاطراتش نگریده بود: معاهده سال ۱۹۲۱ ایران شوروی، گیل سپاهیان شوروی را
به ایران در صورت پدیده آبی اوضاع فیل بحران در نظر گرفته است. مگر در اوضاع
کنونی استولف ضد فاشیستی بایست در این کشورها همآهند عمل کند. از اینرو
سربازان انگلیسی دروسی باید همزمان وارد ایران گردند - چیزی که در اکت - سپتامبر
۱۹۴۱ مورد اجراء قرار گرفته، عملی شد. آنچه مربوط به آفانسان بود، اتحاد
شوروی با امار گرفتن از ضویشتنداری و همآهند با متحد استرالیسی، موضعگیری
خود را در مقابل اعلام کرد، و یاد داشتی را در اکتوبر ۱۹۴۱ به نشرید که در آن
از کابل تقاضا بعمل آمده بود که باید "جداً بیطرفی اختیار نماید" و معاهدات سالهای
۱۹۲۵ و ۱۹۳۵ افغان - شوروی را رعایت نماید. "این یاد داشت از سوی لندن
داشتن و دتهران مورد تأیید قرار گرفت.

د با استفاده از کتاب: "توفان در آفانسان" جلد اول، مؤلف: آلکساندر لیا ففکی
"دیو کور و دیز در خاطرات خود مینویسد: که "ضیاء الحق به دمی چنین اظهار
داشته است: ما حق آنرا بدست آورده ایم که در آفانسان یک رژیم دوست ما
بر وجود آید... ما بجهت یک کشور جبهه مقدم خطری را متقبل شدیم، هرگز اجازه
نخواهیم داد که حالات در آنجا به شکل سابقش برگردد... حکومت افغانسان

یک حکومت واقعاً اسلام فواید بود و بحیث جزیره از جنبش عمومی اعیان اسلام
فعالیت فواید کرد، و روز فواید رسید که مسلمانان اتحاد شوروی را بخود
جلب و جذب نماید ... !!

پیشبرد جنگ با دستهای دیگران
دلو " تروریستان " باشند ... !!

روزنامه " نیویورک تایمز " مؤرخ 11 جون 1971 در گزارشی از " ای برادینال " :
- نگرشی ژرف بر دکترین نیکسون - چنین نتیجه گیری میکند : " - راهبرد
بنیاده در دکترین نیکسون - گرایش به حفظ سهمگیری سیاسی و نظامی در امور
آسیات ... پیشبرد جنگ با دستهای دیگران ، و با کمک تسلیمات ... ازین
واشنگتن به تحویلده اسلحه دارانه لک به پاکستان ادامه میدهد ... "
و ازینو ، ایالات متحده آمریکا با متحدینش در موضوعی ضد شوروی ، تمام
تروریستان افغانی و غیر افغانی را در منطقه ، آماده ، تربیه و با مدرن ترین
سلاح در یک اردوی منظم ، مجرب ساختند !

چنانچه دکترال محریوف - مسئول بخش افغانی در ISI - در کتاب
خود " فاجعه قرن ما - تلک غرس " که مشترکاً بنشر سپرده اند ، دکترال
یوسف در باره و " ضیفه " خود مشغول میگردند :
" ... من بحیث رئیس شعبه افغانی در آی. آی. آی (ISI) نه تنها
مسئولیت آموزش و تسلیم مجاهدین را بعهده داشتم ، بلکه عملیات
ایشانرا ... نیز می ریزم میفردم . هدف ... این بود تا افغانان را
بحیث دیننام شوروی در آورم ... افغانان را باید آهسته ، آهسته
به آتش کشید ... " ! " ... من با پرسونل خود نسبت سواصلت گزارش را در لگرم
کننده از مردگان آنوس - دریای آمو - دال بر همکاران ایشان داخل یک
سلسله مذاکرات شدم ، تا خوسه - شوروی - را به گونه ای دچار نبش
زنی سازیم ... تصمیم گرفته شد که حملات محتاطانه و تدریجی ولی در یک منطقه

وسیع باید به راه انداخته شود... !

... CIA از ما میطلبید تا بزور با آنسوی مرز شوروی صادر نمایم...
فصله برایی شد که مواد تبلیغاتی - و مخبره مواد تخریبکاری را - آماده ساخت،
... مورد آزمایش قرارداد، چنانچه تصمیم گریل ساختن هزاران جلد
قرآن مجید به زبان ازبکی شوروی... " امتنا گردید.

تشکل تروریستان " مجاهد " در یک اردوی منظم

بهمراه سلاح مدرن اسپرالیستی !!

در سال 1977 " آر. لیارت " - که زمانی به شاه ایران در ایما و ساواک
مکلف نموده بود - با نمایندگان دیگر CIA فعالیت‌های ضد افغانی را در
پاکستان افزایش و استحکام بخشیدند. و آنگاه کارشان را به استندام جاسوسی
در میان افغانان ساکن پاکستان نمودند.

تقریباً دوره 1973 - 1977 در اردوگاه‌های سترم پاکستان نزدیک

به 6000 تروریست برآمده گریل به افغانان، آموزش یافتند.

" بونوسکی " چنین برداشت می‌کند که در آستانه وقوع " کودتای " اپریل
1978، ایالات متحده در افغانستان شبکه‌ای گسترده جاسوسی برآمده از عملیات
داشت.

بریتانیک با بهره گیری از حق خود در کندولیر CIA از طریق کمیته ویژه
هالینگ " شورای امنیت ملی " به پشتیبانی و آماده سازی تروریستان ضد افغانان
اداره می‌داد. او می‌پنداشت که این بیگانه وسیله ایست که توانائی رو باروری
با تأثیر رون افزایش امتداد شوروی در افغانان را دارد. و به زودی در قلمرو
پاکستان ایما و مرکز آموزش نظامی تروریستان آنگاه گسترش یافت.

بنظر تماسهای منقیم با گروه‌های تروریستی ضد دولتی در داخل افغانان
و سازماندهی دقیق تخریبکاری و دهشت افکنی تا آنفوق در ریاس امر،
... دو پاره " نماینده CIA به کابل آمد. در نوامبر 1978 او از

افغانستان به پاکستان رفت . در آنجا به رهبر گروه پرداخت که در آن
" آر . لیارت " ، " ل . روبسون " ، " داویه " ، " آر . بروک " ،
و شمار دیگری از ماموران CIA اشتراک داشتند . این گروه تمام فعالیت‌های
آموزشی و تخریبی نظامی را در قندهار با انجمن دولت پاکستان به عهده
گرفته بود .

در ماه‌های می و جون ۱۹۷۹ نمایندگان حکومت کمارتر آنجا به دیدارهای
منظم با رهبران تروریستان افغان در پیش در نمودند و کلاه‌های نظامی را به آنان
افزایش بخشیدند . پله‌های هوایی و دریایی برای برسانیدن جنگ افزار به
پاکستان بمنظور تمویل و تجهیز تروریستان آماده و آغاز گردید . تنه از
جون تا نوامبر ۱۹۷۹ مریبان نظامی آمریکایی بیش از ۳۰ هزار تروریست را
در اردوگاه‌های پاکستان - در خود آمریکا - آموزش دادند . روی هم رفته تا پایان
سال ۱۹۷۹ شمار تروریستان آموزش یافته به بیش از ۱۰۰ هزار نفر رسید .
تعداد تروریستانیکه الی پایان سال ۱۹۸۸ ، توسط ایالات متحده آمریکا
و متحدینش ، اروپا ، پاکستان ، ایران ، عربستان سعودی ، مصر ، کشورهای مجرب
عربی خلیج ، و مائیس بنی المللی ، آماده ، تمویل و آموزشی دیدند و به
سلاح‌های مدرن مجهز گردیدند به ۱۷۳۰۰۰ نفر رسید ، در نتیجه دوّم
سال ۱۹۹۰ به ۱۹۰۰۰۰ نفر افزایش یافتند ، و در اواخر آکتوبر
۱۹۹۱ به ۲۱۲۰۰۰ هزار نفر بالغ گردیدند .

علاوه‌تاً در مراکز آموزش نظامی در قلمرو پاکستان بیش از ۳۰۰۰۰ نفر
نفر دیگر همیّت نبرد زخیره که برای تقویت گروه‌های تروریستان در قلمرو
گرفته شده بود ، پیوسته پرورش و آموزش می‌یافتند ! که جمعاً به
۲۶۲۰۰۰ نفر افزایش یافتند .

در زرادخانه آنان هرگونه سلاح مدرن وجود داشت :
تانک ، زره‌دار ، ماشین‌ساز برقی ، مدافع هوایی ، دستگاه‌های ضد تانک

توپ و توپچاوی بی پلنگه، دستگاهاها، ماشیندارها، سنگی دگشنگ
نارنجک، انداز، ریالکتیف نوع RPG-7، ماشیندار کالیبر دراکت هارستنگ
و غیره با تمام وسایل و دستگاهاها، استخباراتی و مخابراتی ذی ضرورت جنگی...
و غیره وجود داشت. CIA در رابطه به اسلحه و مهمات جدید پیشرفته،
آفرشی تخصصی را سازمانده می کرد. در تهیه عکسها، نقشه ها، بواسطه
قرصنوعی معرض پلانز، عملیاتی تهیه می نمود، وسایل مخابراتی و آفرشی
آنها فراهم می ساخت، و راجع به سایر تخنیک مشوره لازم میداد...

دکترها، پول و مادی را بعهده گرفته بود.
خلاصه اینکه تروریستان دفت انگل و کریستیان "بجاهد" در یک اردوی
منظم و مجهز تشکل یافته بودند. تمام وسایل و افزار، مهمات و معدن نظامی
در دست و دستپاها خود داشتند و مدرنترین اسلحه در اختیارشان
گذاشته شده بود. آیا این همه در برابر قیام آپریل، دولت نوپاس جوان
افغانستان بود؟ توافقات ژنیو جواب قاطع را به این سوال میدهد
که: نه خیر!

با خروج شوروی

نگذ به تروریستان افزایش و ارتقا یافت!

پس از امضای توافقات ژنیو - 14 اپریل 1988 که تاریخ 15 می 1988
نافذ گردید - و بازگشت سپاهیان شوروی - که در 15 فبروری 1989
پایان یافت - که تروریستان "بجاهد" آنها بگانه عامل جنگ و خونریزی
میشمرند و پاک کردن بازگشت نبردهای شوروی را محض اساسی
تأسیه امنیت در منطقه میدانست، آمانه اسلام آباد دهنه " حکومت وقت"
دست نشانده تروریستان کدام اقدام را بمنظور صلح و آراشی و صلح فصل
صلح آمیز اوضاع افغانستان، انجام ندادند، زیرا به دستور با داران آمریکایی
و اروپایی خود، فعالیت ها، خویشرا پیش می بردند، دویرانگی را ادامه دادند

زیرا هدف اصلی محقق پلانهای درازمدت امریالیزم در جهت تضعیف خودپاشی شوروی، فراهم آوردن راه به سوی تسلط بر کشورهای منطقه، و دیگر مناطق جهانی بوده است، که هنوز ادامه داشت، و خاتمه نیافته بود!

لذا تحویل جنگ افزارها و تجهیزات نظامی به تروریستان "جهاد" ادامه افزایش ارتقایافت! در سال ۱۹۸۹ سلاح های مختلف و مدرن عمدتاً از آمریکا عربستان سعودی، و مصر انتقال داده میشد. تنها آمریکا در سال ۱۹۸۹، ۲٫۱ میلیارد دلار (در سال ۱۹۸۸ نیز حجم کدوها به ۸۰۰ میلیون دلار رسیده بود) کمک نظامی در اختیار باندهای تروریست گذاشته شد. و هزاران تروریست دیگر همیشه ذقیده در آموزشگاههای نظامی پاکستانی و قرارگاههای نگهداری میشدند!

به گواهی "نیویورک تایمز" و در آستانه امضای توافقات ژنیوا، جورج شولتز، وزیر خارجه آمریکا در دیدار با اعضا رسانا، دکنده آمریکا به آنژ در باره عزم راسخ حکومت به ارائه کمک ها به آپو زبسیون افغانی اطمینان داد!

او خاطرنشان ساخت که داشتن گن مقدار اسلحه را - نه تنها - افزایش بخشیده، بلکه کیفیت آنها ارتقا میدهد!

-The New York Times - 1988 May 5

"فرد هالیدی" در کتاب خود "افغانستان، اسلام گراهی و جنگ سرد" میگوید:

"... هنگامیکه زمان خروج نیروهای شوروی فرا رسید، نه پاکستانی و نه ایالات متحده آمریکا در پی آن شدند که راه سازش را با رژیم کابل پیدا کنند. آنان موافقتنامه های امضاء شده با کابل، پاکستان و اتحاد شوروی را در ژنیوا، اپریل ۱۹۸۸، صرف بعنوان وسیله ای برای بیرون راندن روسها در نظر گرفتند، نه داشتن و نه اسلام آباد آماده بود که به تعهدات خودی در این موافقتنامه ها احترام بگذارند، که خواهان قطع تدارکات نظامی از چریکیها بودند..."

۴۰
و علاوه می‌نماید: " در میان آشفتگی‌های ناشی از برخورد ها و کشمکش‌های
گذنده همدیگر بین مجاهدین، دانشگن و اسلام آباد، فشار وارد میکردند تا
استلاخی که در آن بنیادگراها از اهل خلیفه عمیقاً و بیرحم به قدرت
برسند که بگونه گسترده از تجارت هیدروکربن تمویل میگرددند .. "

تروریسم " طالب " جانشین

تروریسم " مجاهد " !!

سازمان‌های تروریستی " مجاهد " که بعد از بازگشت سر بازان شوروی
سال ۱۹۸۹، قدرت را در سال ۱۹۹۲ بدست گرفتند، جنگ ویرانگر داخلی را
به تمام شهرها کشاندند. جنایات فجیع را مرتکب شدند .. و نتوانستند
مطابق به خواست پلان‌های اپرالیستی - بویژه آمریکایی - در اقدامات
و اجراءات ضد شوروی و منفعت و برای پیش برد فعالیت‌های آن، و ایجاد
یک نظم و حکومت به مفهوم خودشان " اسلام " را به تفاهم برسند، زمینه را
برای تروریسم جدید فراهم ساختند ... دولت آمریکا و اداره نظام و جاسوسی
آن در تفاهم و اینبار با رهبران نظام پاکستان تقسیم گرفتند، نیروی جدیدی را
وارد عمل نمایند که به این تنظیم‌های تروریستی " جلاد " را به این داشته
باشند!

آدراس سال ۱۹۹۵ جنبش " طالبان " به کمک ایالات متحده آمریکا و پاکستان
و به کمک مالی عمده عربستان سعودی و امارات عربی متحد و دیگر کشورهای خلیج، در
صحنه سیاسی - نظامی افغانستان پدیدار شد. و بشکل عمده اکثر آزادانان در
نیاز به اصطلاح " مذهبی " اسلامی و تقابلی پاکستانی پرورش یافتند، و با گذشت
وقت، طهریزه سازماندهی CIA و ISI به مراکز وسیع فعالیت نظامی
تروریستی مبدل گردیدند. دستورالعمل‌ها و پلان‌های نیز بدسترس آنان گذاشته
شده بود، تا با تروریسم آنطرف دریای آفریقا منظور فعالیت‌های بعدی
در تخریب‌های دهشت افکنی در کشورهای آسیای میانه، و تصنیف پایه‌های
دولت شوروی، اقدام نمایند!

آمریکا پرداخت مصارف تسلیحاتی و ارسال اسلحه و مهمات نظامی سافت آمریکا را
برای طالبان متقبل شد، و در همکاری با اداره جاسوسی پاکستان ISI برنامه
کامل تنظیم شدن را به اجرا گذاشت.

اساس بنی لادن، رهبر سازمان تروریستی "القاعده" به "طالبان" ملگم‌های
گسترده عادی و تسلیحاتی و نیروی بشری را رساند... و مبالغه‌آمیز گفتی بدست‌شان
قرار داد، و از لحاظ ایدئولوژیک و مذهبی با آنان هم‌فکر و هم‌فکر بوده و وسیله
زمانیکه تروریستان "طالبان" حرکت خود را در داخل افغانستان شروع کردند
نیروی و اسلحه و مهمات گسترده ای از طرف ایالات متحده آمریکا توسط پاکستان
در اختیار آنان گذاشته شد. و بسیاری از مشاوران نظامی و نیروی کومانده
و افسران متخصص منظور پیشبرد دقیق پلان نظامی و سازماندهی فعالیت‌های
تخریبی و دهشت‌انگیزی برایشان ارسال گردید.

بی نظیر بو تو صدر اعظم سابق پاکستان در اکتوبر ۱۹۹۴ برای خبرنگاران
بر ملامت: "... طالبان با مشوره ایالات متحده آمریکا و بریتانیا نیاید پول
عربستان سعودی در قلمرو پاکستان آموزش نظامی دیدند و مسلح شدند..."
در یک مصاحبه مطبوعاتی "بریتنیک" با "نورل اورنر خاتون" چاپ
پاریس ۲۱ جنوری ۱۹۹۸ چنین آمده است:

خبرنگار: شما حتی از اینکه گروه‌های اصول‌گرای اسلام را حمایت کردید،
به آن اسلحه دادید، و نظرات مشوره شما از آن تروریستان آینده را
ساخت، آیا تأسف نمیکنید..؟

بریتنیک: کدام یک در تاریخ جهان مهم است؟ طالبان و یا سقوط
امپراتوری شوروی؟ چند مسلمان ترمک شده و یا از آوس آسیای میانه.. ۱۹

در اینجا کاملاً روشن میگردد که "طالبان" و "القاعده" چه صورت‌هایی
بزرگی را در پیشبرد پلان امپریالیستی، در منطقه بوخیره در برابر کشورهای
آسیای میانه و اتحاد شوروی.. بهنده داشتند!

مدیر مسئول "گازد نفث بنی المللی" زیر عنوان "یونزد فال و افغانستان"

نوشتۀ است: " .. ارسال ۱۹۹۵ شرکت یونوکال به دنبال برپائی یک خط
لوله از منطقه نفتی دولت آباد در شرکتان وارد خاک افغانستان شده
رسم از طرفی پاکستان به دریای عرب - بحر عمان - متصل میگردد. این خط
لوله نفت و گاز منطقه دریای خزر را به شبه قاره هند و نیز آسیای
جنوب شرقی خواهد رساند. اما این همه در گرو اینست که یک حکومت مورد
قبول در افغانستان بر سر کار باشد، که طالبان اینک خاندۀ چنین وجهی امی شده.

یونوکال سعی کرد بارهبران طالبان گذار آید ..
اما دیرین نگذشت که بر اثر تقاضای " طالبان " برای داشتن سهم بیش
از ۱۰۰ میلیون دلار در سال بصورت سافت جاده هادی سیستمی آب رسانی
خطوط تلفون و برق و نیز سهمی از گاز و نفت، همزمان با انفجار سفارت
آمریکا در آفریقای شرقی، یونوکال با یک گردش مما جلانه تمام پیشینۀ داد
خود را پس گرفت ..

" طالبان " تروریست، فعالیت های دهشت افکنی، کشتار های دهشیانه
گروهی و گور های دستجمعی را از فرزندان زحمتکش و بیگناه فلق های
افغانستان، پایمال کردن مراکز فرهنگی، تاریخی و علمی و آثار باستانی .. کشور را
سازمانده کردند، خونریزی دادم کشی در دستور روزشان قرار داشت .. آنان
به نقض مقررات و قوانین بین المللی پرداخته، بای هیاتی ادبی پروائی از تمام
سازمان های بین المللی که در امر کمک رسانی به مردم، فعالیت میکردند، خواسته شد
که کابل را ترک گویند! و عملیات کمک رسانی را متوقف سازند! در برابر روزنامه

نقاران، خبرنگاران بویژه خارجی موانع شدید گذاشته شد!
حاکمیت " طالبان "، منشأ اصلی و دیگری در تولید و تجارت مواد مخدر، موهن
ضد بی برای شبکه های جاسوسی، تروریستان و سایر اجویان بین المللی، فعالیت های
ازادانه مافیای چند ملیتی، بوده است!
و به احتمال زیاد، اتحاد شوم مابین مافیای بین المللی مواد مخدر، چند ملیتی
و جریان های تروریستی " طالبان "، " القاعده " و سازمان های بنیادگرا

«ایسلام» پاکستانی و از پشت پرده سازمان جاسوسی آس آس برقرار شده و از
ایمکانات و فیرده های یکدیگر برابر تحقیق جنایاتشان در منطقه، استفاده
بعله می آورند، که به رسوائی های جریانی کشیده شد!
و از سوی دیگر اظهارات و فعالیت های تروریستی «بن لادن» بر ضد آمریکا
علاوه بر رسوائی های افزایش یافته، باعث آن شد که آمریکا از اجیر برهمنه
خود روگرداند و او را مسئول مستقیم حمله به پایگاه های این کشور در
شرق نیامه و آفریقا بداند و از «طالبان» خواست او را تحویل دهند، آقا
آنان خود دار کردند..

چنانچه بمیان آمدن فاجعه ۱۱ سپتمبر، در یک نمایش سازمان یافته
امپریالیستی، ضمن عواملیت که آمریکا را آه دیگر را که اثر نامتلف تروریستان
او طالبی «باشد» جستجو میکرد!

اژانه اطلاعات انرژی آمریکا در رابطه به حمله بر افغانستان، اعلام داشت:
«... درست است که اگر طالبان سقوط کنند، تروریسم متحمل یک ضربه
آسانی خواهد شد، ولی مهمتر اینست که بزرگترین مانع در راه احداث
خط لوله دریای خزر - پاکستان، از میان برداشته میشود... در منطقه
شرقیانه، یعنی جاییکه نقش نفت همداره بر تصمیمات سیاسی نمایی
بوده است، فلقه آمریکا در جنگ و حمله بر افغانستان همین اصل را
تشکیل میدهد..»!

اشغال نظام افغانستان..
یکی از پلان های دراز مدت و امپریالیست..!

بر همان اساس، و در جهت تحقق فنانو انحصارات سرمایه داران در قلمرو
بر کشورهای منطقه، و محاصره بیشتر روسیه خدرا تیف کنونی در تمام عرصه ها
بعد از فروپاشی شوروی، تصمیمی از طرف اداره پنتاگون، CIA و سایر

نهادها، استخباراتی و امنیتی ایالات متحده آمریکا وزیر پرده سرنگون
سازد تروریستان "القاعده"، "اسامه بن لادن"، "طالبان" و "مکتب"
"دوکراسی" و "بازسازی" در افغانستان، اتخاذ گردید، که حمله وسیع
نظام آمریکا، افغانستان، ناتو و دیگر کشورهای اروپایی، صورت
گیرد. و "حکومت جدید" به اصطلاح سرکار آورند که حافظ فنانشان
باشد...

لذا نشست "بون" قراریکه قبلاً نیز به این موضوع اشاره شد، از نوکران
حلقه بلوشر - جیٹ "نماینده گان خلق های افغانستان" به دستور ایدر یانیزم
آمریکا، سازماندهی یافت، و با اجازه اشغال نظام افغانستان از این
راه بدست آوردند! و در هفتم اکتوبر 2001 حمله نظامی نمارنگر بیش
از 37 کشور بر افغانستان زیر نام جنگ علیه "تروریزم" آغاز یافت.
و برخلاف تمام نورمها، مقررات و قوانین ملی و بین المللی افغانستان تحت
تسلط انحصارات سرمایه داری استثمارگر و چپا و لگ قرار گرفت. و حکومت
دست نشانده خود را توسط لادهاش نمایشی، وابسته گویا انتهای باقی
بر تحت مدیریت پیشبرد پلان ایدر یانیزم، نشاندهند. که تا بیش از چهل
سال آینده ادامه خواهد یافت!! زیرا ماهیت پلان و سیاست دراز
مدت ایدر یانیزم در منطقه، و از لابلای تبصره ها و گزارشات رسانه های
گروه محزبی دآمریکائی، و اخبارات مسئولین نظام اشغالگران، و اسناد
و مدارکی که درین گزارش محقر تذکر یافته است، همه دلجم به اثبات میرساند
که اشغال نظامی کشور تا سالها بسیار طولانی ادامه می یابد!!
در مقام باصراحت باید حقایق را روشن در ملاحظه و وضعیت کنونی

همیشه رهائی بخشی مل افغانستان که در حالت بی ثباتی، آشفتگی، ترلز و
 اختلافات پراکنده، انزو و اشتباهات بی دری قرار دارد، و در
 روند سالم مبارزه خود مطابق با نیاز زندگی، رهائی بخشی مل و دموکراسی
 به سوی آزادی، استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت مل، دموکراسی
 عدالت، ترقی اجتماعی، صلح و ثبات گام نگذاشته است، به موجودیت
 و ادامه تسلط اشغالگران خارجی، گداز و یار میسراند! و به برخی های
 بیگانه فلق ها، ستم دیده افغانستان، شدت افزایش می بخشد!!

در شرایط و ادعای کنونی کشور و منطقه، و در تطابق با نیاز زندگی
 مردم مبارزه رهائی بخشی مل و دموکراسی، وظیفه همگانیست که هر چه
 زودتر عوامل ناهمگونی، بی اتقانی، اختلافات، تعصبات، بی توجهی
 بی پروائی و تنگ نظری از راه تفاهم، اتفاق و یکپارگی پرکنار
 گردد، و گام های عملی دستوار به سوی افغانستان آزاد، مستقل،
 دموکراسی، متحد و یکپارچه برداشته شود!



خزانة قدرت ۰۱-۰۹-۲۰۰۹ محمد طاهر نسیم

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است
 کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©2006Esalat

www.esalat.org